سرمقاله

مبارزه واقعی با فساد اداری

محمدرضا هویدا

به احتمـــال زیاد باز هم دولتمردان وحدت ملی، با صدور اعلامیه های مطبوعاتی و یا در سخنرانی ها و کنفرانس های مطبوعاتی و یا توسط سخنگویان شـــان، گزارش سازمان بین المللی شفافیت را که بر اســـاس آن افغانستان سومین کشور فاسد جهان است را دروغ و کذب و افترا می خوانند. احتمالا آنها نشـــر کنندگان این گزارش را بی خبر از واقعیت های افغانستان خوانده و لست های بلند و بالایی از مدعیات شـــان، به عنوان مبارزه با فساد اداری در کشـــور را برای مردم اعلام می کنند. بر اساس لیستی که از سوی سازمان بین المللی شفافیت به نشر رسیده، کشور افریقایی سومالیا، بار دیگر فاسدترین کشـــور جهان اعلام شده، کوریای شمالی دومین کشور فاسد جهان و افغانستان سومین کشور فاسد جهان لقب گرفته است.

افغانستان در کشت و تولید مواد مخدر، نقض حقوق زنان، کودکان، کارگران و... نیز جزء اولین ها است. اما سالهاست که برای مبارزه با فســـاد اداری، مبارزه با مواد مخدر، مبارزه با نقض حقوق بشر و ... کار و تلاش می شـــود. میلیاردها دالر به نام کمک به افغانستان برای مبارزه با فساد اداری و ... به مصرف رسیده است. ولی نه تنها چیزی از فساد اداری و ... کم نشده که بر حجم و وسعت آن افزوده شده اســـت. چه چیزی موجب شده که این گونه بر عکس نتیجه دهد، همه آنچه در افغانستان به انجام رسیده است.

به نظر می رسد که سیاستمداران افغانستان در قدم اول با مردم بازی می کنند، حقیقتا نمی خواهند با فســـاد اداری مبارزه کنند. اراده ای در هیچ کدام از سیاســـتمداران برای مبارزه با فســـاد اداری دیده نمی شـــود. هر کدام از گروه ها و تیم های انتخاباتی و سیاســـی که بر قدرت تکیه زد، به ناگاه با تغییری کامل به سوی انحصار قدرت در تیم و قوم و جناح خود روی آورد. حکومت های گذشته افغانستان نمونه های کاملی از این گونه رویکرد بوده اند. و حکومت جدید نیز نشـــانی از مبارزه قاطع با فساد اداری را از خود نشـــان نمی دهد. حکومت جدید دستگاه تبلیغاتی خود را فعال کرده است، تا نشان دهد که مثلا در کدام قرارداد چند صد هزار افغانی به نفع دولت شده است، اما همین دستگاه تبلیغاتی از هزاران دالر سوء استفاده و اختلاس و رشوتی که در ادارات دولتی جریان دارد، خبر نمی دهد.

در مدتی کـــه از عمر حکومت وحدت ملی می گذرد، پرونده های زیادی به بازار سیاست و مطبوعات کشانیده شدند، از مکتب های خیالی تا کلینیک ها و ســـربازان خیالـــی، از کابل بانک گرفته تا قراردادهای وزارت های دفاع و... اما اراده ای برای مبارزه با فساد در عمق وجود ندارد. در ســـطح کارهایی نمایشی انجام می یابد. ولی در عمق کاری نمی شـــود. عمق از نزدیکان قدرتمندان و رده های بالای حکومت شـــروع می شود، اما سطح با یک مامور پایین رتبه آغاز می گردد. اگر مبارزه از عمق باشد، دولتمردان دور و بر خود را پر از افراد مربوط به قوم و تیم و جناح خود نمی کنند، ولی اگر از سطح باشد، پست های مهم ادارات خود را به قوم و خویش و جناح و تیم خود می دهند ولی شعار خدمت و مبارزه با فساد را با صدای رسا فریاد می زنند.

به هیچ صورت امکان ندارد با استراتیژی کنونی دولت افغانستان، حتا اندکی از فساد اداری حاکم بر ادارات افغانستان کم شود. بلکه یقینا بر میزان آن افزوده خواهد شد. بدتر از همه اینکه حتا باور مردم به مبارزه با فساد اداری نیز در حال از بین رفتن است. و این خطرناک ترین مسئله ای اســـت که می تواند در مبارزه با فساد اداری رخ دهد.

مبارزه واقعی با فساد اداری باید از مدعیان مبارزه با فساد اداری که پست ها و بست های مهم دولتی را گرفته اند شروع شود، در غیر آن، اگر هر کدام از تیم ها و جناح یکدیگر را متهم ســـازند و دیگران با نیز متهم به افترا و کذب کنند و طلب شاهد و دلیل برای اثبات فساد اداری کنند، سالهای دیگری نیز افغانستان فاسدترین کشور جهان خواهد بود.

از پیش شرط تا پیش شرط؛ درنگِ بر پیش شرط های طالبان

عبدالرحمن فهیمی

دولت کابل همواره «قانون اساســـی» را به عنوان «خط ســـرخ» در دنیـــای مذاکرات سیاســـی با گروه های «مخالف» نظامی و مســـلح به ویژه گروه طالبان مطرح کرده اســـت. این بحث را نهادهای مدنی و حلقه های که در راستایِ ترویج و نهادینه شدن «حقوق بشر» و «ارزش» های انسانی تلاش می کنند، به صورت گسترده مطرح کرده و به دولت و تصمیم ســـازان سیاسی هشدار می دهند کـــه «گذر» از قانون اساســـی بـــه هیچ صورت قابل پذیرش نیســـت. اما «ســـرتاج عزیز» مشاور نواز شریف نخست وزیر پاکستان در امور سیاست خارجی که در حقیقت وزارت خارجهٔ این کشـــور را به حاشیه رانده و همه کاره در این بخش است، در «نشست چهارجانبه» میان افغانستان، پاکســـتان، چین و آمریکا به گونهٔ تعیین «پیش شـــرط» از سوی دولت کابل را مورد انتقاد قرارداد. او تاکید کرد که بر اســـاس واقعیت های سیاســـی بایستی تلاش شود. ولی حالا گروه طالبان نیز پیش شرط های را جهت مذاکرات سیاسی مطرح کرده است. دیده شود که پاکســـتان در این مورد چه موضع گیری خواهد داشـــت؟. به رسمیت شناختن دفتر سیاسی در قطر، خارج کردن نام های رهبران و چهره های تاثیرگذار شان از فهرست سیاه سازمان ملل، حذف جایزه های تعیین شـــده برای بازداشت یا کشتن آن ها، آزادی زندانی هـــا و پایان دادن به تبلیغات از مواردی هستند که این گروه به عنوان پیش شـــرط در نشستِ که از سویِ نهادِ پگواش برگزار شـــده بود مطرح کرده است. همچنین این گروه تاکید کرده است، مواردی که مربوط بـــه نیروهای خارجی به ویژه نیروهایِ آمریکایی می شود، بایستی به صـــورت رو در رو میان طالبان و آمریکا بحث شود.

آیا این پیش شـــرط ها از سوی دولت کابل پذیرفته خواهد شد؟. و اساسا آیا دولت می تواند چنین پیش شرط های را بپذیرد؟

به نظر می رسد که پیش شرط های مطرح شده از ســـوی گروه طالبان پذیرفتنی نمی نماید. در گذشـــته نیز بخش از درخواست هـــای آن ها را آقای کرزی و حکومت تحت امرش عملی کـــرد که نتایج کاملا عکس را گرفت و برخی درخواست ها را نتوانستند بپذیرند. در مورد پیش شـــرط های مطرح شده به اجمال بحث می کنیم.

اول) به رسمیت شـــاختن «دفتر سیاسی» در قطر از آدرس امارت اسلامی طالبان، به معنای تایید دو دولت، قدرت سیاسی و دو حاکمیت خواهد بود. در یک جامعهٔ سیاسی فقط یک سازمان سیاسی دارایِ مرجعیت تصمیم گیری نهایی می تواند باشـــد، نه دو یا چند ســـازمان. از این رو، پذیرش دفتر سیاســـی قطر، به معنایِ تایید دو دولت یا تجزیه و تقسیم کشـــور خواهد بود. دولت کابل علی رغم کاســـتی ها و کم کاری های که دارد، از مشـــروعیت و اعتبار حقوقی ـ سیاســـی در داخل و سیاست بین الملل و جامعهٔ بین الملل برخوار است. بنابراین، این خواسته غیر عملی بوده و بقا و موجودیت نظام سیاسی مستقر در کشور را به چالش می کشد.

دوم) خارج کردن نام هـــای رهبران گروه طالبان از فهرست سیاه سازمان ملل، بحث اســـت که آقای کرزی به گونهٔ آن را دنبال کرد. در فرصت های مختلف در این مورد با همکاران خارجی دارایِ نقش در سیاست کشـــور، صحبت کرد. امّا ظاهرا که نتیجهٔ ملموس به دســـت نیاورد. گروه طالبان، از همکاران سازمان تروریستی القاعده بوده، به رهبران آن سازمانِ خطرناک پناه داده و ضمن حفظ روابط، درِ حادثه های پرهزینهٔ جهان دست دارد. هیچ تضمین وجود ندارد که پس از خارج کردن نام ها از فهرســـت، فعالیت های تروریستی تشدید نشده و با دست باز فعالیت نکنند. به هرصورت، این بحث مربوط به امنیت جهانی می شـــود و تصمیم گیـــری در این مـــورد به راحتی نخواهد بود.

سوم) آزادی زندانی ها بحث است که آقای کرزی به صورت جـــدی آن را دنبال کرد. علی رغم مخالفت ها و انتقادهای سیاسی که از جانب سیاســـت مداران و حلقه های تاثیرگذار صورت گرفـــت، کرزی پنبه بر گوش گذاشته و زندانی های طالبان را فوج فوج از زندان ها رها کرد. تصور کرزی این بود که زندانی های آزاد شده یا به فعالیت های صلح پیوسته و برای ختم جنگ تلاش می کنند و یا دست کم خود دیگر به میدان نبرد و جبهه های رویارویی نخواهند رفت. ولی این تصور اشـــتباه بود. اکثریت قریب به اتفاق زندانی های آزاد شـــده بازگشت کردند. به همان راهی رفتند که رفته بودند و می رفتند. همه تفنگ بر دست گرفتند، جبهه های طالبان را تقویت کرده و تراژدی های را خلق کردنـــد. بنابراین، حکومت کنونی نباید دوباره اشتباه استراتژیک را مرتکب شـــده و با دستان خود جبهه های دشـــمن را در میدان نبردِ سخت تقویت کند.

چهارم) منظور گروه طالبان از پایان دادن به تبلیغات چیست؟ اگر منظور این است که حکومت و دستگاه های حامی و زیرچترش، رفتارها و اقـــدام های این گروه را محکوم نکنند، باورهای سیاسی و اجتماعی اش را نقد نکنند و انســـان کشی های اش را که به نام دین و شریعت می کند، خلاف دین ثابت نکننـــد، در این صورت چی باقی می ماند؟. آیا می توانند خود را توجیه کنند؟. به نظر می رسد گروه طالبان باید بدانند که نیاز به تبلیغات نیست. طرز فکر اجتماعی و دینی شما خیلی «کهنه» و قدیمی است. مردم کشور در زمان امارت نیز شما را قلبا نپذیرفتند و تا توان داشتند مقاومت کردند و اکنون که تحول و دگرگونی های اجتماعی ژرفِ اتفاق افتاده، هرگز تفکر شما را بر نمی تابد. همچنین نسخهٔ سیاسی که شما نوشته اید، بـــه هیچ وجه قابـــل پذیرش نخواهد بود. امارت طالبانی از یک ســـو مبتنی بر استبداد، دیکتاتوری و تمامیت خواهی و از سوی دیگر مبتنی بر انحصار و نگرش قوم مداری اســـت. این نسخه ممکن است چند صباحی کوتاه، نتیجه دهد و هیئت حاکم با زور تفنگ، توپ و تانگ فضا را آرام و همه را تابع کند، امـــا هرگز نمی تواند به عنوان نسخهٔ مطمئن تلقی شود.

پنجم: بحث گفت و گویِ مستقیم با آمریکا برسر مســـایل مربوط بَه نیروهای خارجی و آمریکایی، هم تبـــارِ بحث پذیرش دفتر سیاســـی قطر است. همان گونه که پذیرش دفتر سیاسی قطر، به معنای نادیده گرفتن دولت کابل و یا پذیرش دو دولت و حاکمیت اســـت، مذاکره میان طالبان و آمریکا برسر موضوع نیروهای خارجی به معنای نادیده گرفتن دولت خواهد بود. به نظر می رســـد کـــه منظور گروه طالبـــان در این جا بحث پایگاه های نظامـــی آمریکایی و حضورش در منطقه اســـت. از طرح این بحث توسط گروه طالبان می شود برداشت کرد که این گروه دولت کابل را نه بلکه خود را نمایندهٔ کشور و صاحب اختیار می داند تا از آدرس امارت طالبانی با قدرت های خارجی به ویژه آمریکا به گفت و گو بنشیند.

به هرحال، بحث دفتر سیاســـی و پذیرش گفت و گویِ مستقیم با آمریکا برسر مسئلهٔ نیروهای خارجی، مباحثِ اســـت که دولت کابل نمی تواند بپذیرد وَ نباید بپذیرد. زیرا پذیرش این دو به معنایِ خط بطلان کشیدن رویِ خودش خواهد بود. همچنین بحث آزاد کردن زندانی ها یک بار تجربه شده و دولت نباید دوباره چنین اشـــتباه استراتژیک را مرتکب شود.

ظهور فرهنگ نوجوانی

میشل فیز/ برگردان آریا نوری

مدت‌هاســـت که جامعه شناسان به مقوله‌ی نوجوانـــی پرداخته، در مـــورد آن صحبت می‌کننـــد و به ابراز نظـــر می‌پردازند. فکر نمی‌کنم نیاز به یادآوری این مســـئله باشد که جامعه شناسان هیچ‌گاه تصویر آن‌چنان خوبی از این بازه‌ی سنی نشان نداده‌اند. کار تا جایی پیش رفته که حتی امیل دورکیم[۱]، چهره‌ی شاخص جامعه‌شناسی در طول یک قرن اخیر، قدم گذاشتن جامعه شناسان در حوزه‌ی کودک و نوجوان را نادرست خوانده است. شاید این مســـئله به این دلیل باشد که جامعه شناســـان همواره به بیان خطرات دوره‌ی نوجوانـــی پرداخته و آن را ســـن مشـــکل‌آفرینی، جهل و بحران دانسته‌اند. امروزه اما شرایط فرق کرده و همه به‌خوبی فهمیده‌اند که بیش از آنکه پای بحرانی فردی در میان باشد، بحران ریشه‌ی اجتماعی دارد، بحرانی که بسیاری از نوجوانان و جوانان را با مشکل مواجه کرده است. طی کردن مسیر از دوران کودکی تا نوجوانی و رسیدن به سن بلوغ روزبه‌روز سخت‌تر و طولانی‌تر شده و نوجوان مجبور است این مسیر را به‌تنهایی طی کند. باری، امـــروزه همه‌چیز در دنیای نوجوانی متحول شده است.

شاید علت غالب شدن دید جامعه شناسان در حـــوزه‌ی نوجوانی را بایـــد در این مهم دانســـت که به گفته‌ی ادگار مـــورن[۲]، نوجوانی بازه‌ی جدید سنی[۳] است. دنیای امروزی نوجوانان در وهله‌ی اول احاطه‌شده به‌وســـیله‌ی فعالیت‌های متنوع فرهنگی. زندگی فرهنگی نوجوان آمیخته‌شده است با چالش‌های روزانه‌ی اجتماعی، فشارهایی که از طرف ســـایرین متحمل می‌شـــوند و به‌خصوص عدم ســـازش با والدین و نسل پیشین. نوجوانان در طول روز و در هرکجا که باشند با فرایند جامعه‌پذیری[۴] دست‌وپنجه نرم می‌کنند، چه در خانه باشـــند و چه در مدرسه، چه در خیابان باشند و ...

از طرفی ایشـــان در طول روز فعالیت‌های بســـیاری را مطابق با سنی که دارند صورت می‌دهنـــد، کارهایی از قبیـــل بازی کردن، دیدار با دوستان، تشکیل گروه‌های دوستانه در مدرسه یا محل زندگی و ... متأسفانه در بسیاری از کشورهای جهان اصلاً به ردگیری و نظارت بر فعالیت‌هـــای نوجوانان اهمیتی داده نمی‌شود در شرایطی که این امر بسیار حائز اهمیت اســـت. جامعه شناســـان باید بســـیار بیش از آنچه الآن انجام می‌دهند به بررسی رفتارها و وضعیت نوجوانان بپردازند. ایشان باید وارد تحقیقات میدانی شده و به جمع‌آوری اطلاعات دقیق روی بیاورند. برای مثال نگاهی ساده این امر را به‌خوبی نشان می‌دهد که تشـــکیل گروه با سایرین بعضاً نه‌تنها فرایند جامعه‌پذیری و ورود به جامعه را آسان نمی‌کند، بلکه به‌سان مانعی سر راه نوجوان عمل می‌کند.

بحران در جامعه

مسائل بســـیاری امروزه دست‌به‌دست هم داده‌اند تا نوجوانان به‌نوعی سعی کنند خود را از زندگی اجتماعی کنار بکشند، مسائلی مثل بحران فرهنگی، فشار جامعه، مشکلات روزافزون در مدرسه، بیکاری و ... نوجوانان پس از کنار کشیدن از جامعه گرد هم آمده و گروه‌های کوچکی را تشکیل می‌دهند و در پی این گروه‌ها برای خود آیین‌ها و رسوم جدیدی را وضـــع می‌کنند. از این لحظه به بعد اســـت که هدف ایشان دیگر نه تلاش برای ســـازگاری با جامعه و ورود به آن‌که تلاش برای ســـازگاری با سایر افراد گروه و موفقیت در بطن آن است. درست به همین دلیل نیز اســـت که می‌گوییم تشکیل این گروه‌ها ممکن است ورود نوجوان به جامعه را با خطر مواجه کند.

جامعه شناســـان آمریکایی در دهه‌ی ۴۰ میلادی این امر را نشـــان دادند که هدف نوجوانـــان در آن دوره نه بر عهده گرفتن نقش در جامعه که همراهی با همسالان خود و به نقش گرفتن در گروه‌های دوستی بوده است.

نوجوانان شـــیوه‌ی دیـــدن و تفکر، لباس پوشـــیدن، رفتار کردن، فکر کردن و نیز زندگی کردن منحصر به خود رادارند. البته باید این امر را موردتوجه قرارداد که تلاش نوجوانان برای دوری از جامعه و تشـــکیل گروه‌های کوچک جدید بین خود امری است نسبتاً جدید. علت اصلی این مسئله فقدان پیوندهای اجتماعی مناســـب و روحیه‌ی زندگی جمعی در جوامع پست‌مدرن است. پیوندهای اجتماعی در جوامع امروزی در نظر نوجوانان خیلی سریع از هم می‌پاشد. نوجوانان به همیـــن ترتیب برای خود و در بین خود گروه‌های کوچک درست می‌کنند به این امید که این گروه‌ها جایگزینی باشند برای جامعه‌ای که ورود بـــه آن روزبه‌روز سخت‌تر می‌شود.

فرهنـــگ غالب در تمامیِ ایـــن گروه‌های دوســـتی کوچک تقریباً یکســـان است و روحیه‌ای مردم‌ســـالارانه در آن‌ها جریان دارد. اعضای این گروه‌ها سلســـله‌مراتب خاصی ندارند، برای هر کاری که می‌خواهند به منصه‌ی اجرا درآورند از قبل برنامه‌ریزی نمی‌کننـــد، آزادی را به اقتـــدار ترجیح می‌دهند و خـــود را با همه و همه را با خود برابر می‌دانند. ایشـــان یکدیگر را برابر و برادر می‌دانند، حال هر پدر و مادرشـــان هرکسی که می‌خواهد باشد و وضعیت مالی خانواده‌شـــان هر چه که می‌خواهد. در این گروه‌ها هرگونه ماهیت نژادی، خانوادگی، اجتماعی و ... از میان برداشـــته می‌شود و تنها برابری برای ایشان می‌ماند و این دقیقاً مسئله ایســـت که به‌هیچ‌عنوان در جوامع امروزی به چشم نمی‌خورد.

فراگیری دوستی

اجتماع و تشـــکیل گروه‌هـــای مختلف از ویژگی‌های اصلی دوران نوجوانی به‌حساب می‌آید. نوجوانانی که در این گروه‌ها عضو می‌شوند می‌توانند بدون دغدغه‌ی پس‌زده شدن احساسات و علایق خود را به اشتراک بگذارند.

برای مثال نوجوانی در این مورد می‌گوید: «من با اعضای گروهی که در آن عضو هستم بود که برای اولین بار واقعاً به معنای دوستی پی بردم.» در دنیای نوجوانان، تنها کسانی می‌توانند اقتدار اخلاقی و نیز عملی داشته باشـــند که توانایی خود را اثبات برسانند. اگر کسی بخواهد به هر قیمتی که شده از بقیه جلو بزند بدون آنکه استعداد و توانایی لازمش را داشـــته باشـــد، بلافاصله وی را پس می‌زنند. باید به این امر توجه کرد که جامعه‌پذیری نوجوان‌اند وجهه‌ی مذکر دارد. در گروه‌هایی که تشکیل می‌شود، یا اصلاً دختری وجود ندارد و یا اگر هم وجود داشته باشد تعدادشان بسیار کم است.

نوجوانان در بازه‌ی سنی‌ای که به سر می‌برند به دنبال بررســـی آینده‌ی خود نیستند. ایشـــان ترجیح می‌دهند به‌جای آنکه دائم در نگرانی فردایی نامطمئن زندگی کنند، به زندگی روزمره‌ی خود پرداخته و از آن لذت ببرند. دقیقاً همین امر نیز باعث می‌شود که ریشـــه‌ی اصلی گروه‌هایی که ایشان باهم تشکیل می‌دهند بیشـــتر لذت‌گرایی[۵] باشد. ایشـــان نیز مثل هر انسان زنده‌ی دیگری به دنبال شکوفایی فردی در عین لذت بردن از زندگی هستند، ولی طی این مسیر برایشان نســـبت به یک بزرگ‌سال بسیار سخت‌تر است.

نوجوانان گروه تشکیل می‌دهند تا سرگرم باشـــند و از تنهایـــی دوری کنند، تا باهم باشـــند و در پاره‌ای از مواقع بتوانند برنامه و هدفی مشترک داشته باشند. ایشان در گروه‌های خود به دنبال فعالیت‌های لحظه‌ای و آزادی هستند و می‌خواهند حداقل برای مدتی هم که شـــده از نظارت والدین دور باشند. زبان کسانی که راه دیگری برای ابراز وجود ندارند

گروه‌های نوجوانانـــه را صدالبته نمی‌توان تنها مأمنی برای سرگرمی و خوش‌گذرانی در نظر قلمداد کرد. اعضـــای این گروه‌ها به دنبال بازشـــناس‌اند خود به بزرگ‌ترها هستند و بعضاً در این مسیر ممکن است به راه‌هایی مثل خشونت هم‌روی بیاورند.

در طول ســـال‌های گذشـــته گروه‌هایی مثل اســـکیترها[۶]، رپرها[۷]، پانک ها، رولرهـــا[۸] و تگر ها[۹] تلاش بســـیاری کرده‌اند تا خود را در جامعه به ســـایرین بشناســـانند و برای نیل بـــه این منظور از خشونت نیز دریغ نکرده‌اند. در نظر اعضای این گروه‌ها امروزه تنها راه ابراز وجود همین گروه‌ها است. ایشان فکر می‌کنند که دیگر نه جایـــی در جامعه دارند و نه توانایی ابراز وجود را. نوجوانان در بطن این گروها سعی می‌کنند به هر نوعی که شـــده به جامعه و اعضای آن هشـــدار بدهند. جامعه‌ای که گروهی در آن ثروتمند هســـتند و گروهی فقیر و ترد شـــده، گروهی همه‌چیز دارند و گروهی هیچ‌چیـــز، گروهی تحصیل‌کرده هستند و گروهی شـــرایط و امکانات لازم برای تحصیل را ندارند. ژان مونو[۱۰] معتقد است خشـــونتی که شکل می‌گیرد (مشابه شورش‌های شکل‌گرفته در لندن و پاریس) به علت همین عدم توانایـــی در برقراری رابطه با جامعه است

آنچه امروزه بیـــش از هر چیزی به آن نیاز مبرم می‌رود، برقـــراری امکان گفت‌وگو و تقابل مناسب بین نوجوانان و جامعه است. عـــدم امکان برقراری رابطـــه بین اعضای مختلف جامعه، حال در هر کشـــوری هم که باشد، سبب شـــکل‌گیری و گسترش روزافزون تنش بین اعضای آن شده است.

جامعه شناســـان اگر بخواهند به بهترین شکل ممکن به بررســـی مقوله‌ی نوجوانی پرداخته و تمام زوایای آن را به‌درســـتی بررســـی کنند، باید به بررسی شکل‌های مختلف جامعه‌پذیری در این گروه حساس از جامعه بپردازند.

کارتون روز

روزنامه افغانستان The Daily Afghanistan
Daily Outlook AFGHANISTAN The Leading Independent Newspaper

❑صاحب امتیاز: داکتر حسین یاسا
❑مدیر مسوول: محمد رضا هویدا ۰۷۹۸۳٤۱۸٦۱
❑سردبیر : حفیظ الله زکی ۰۷۹۹۱۵۷۳۷۱
❑ کاریکاتوریست: خالق علی زاده
❑دیزاین:علی‌اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
❑مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان
❑آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر V- ۱۳۷

روزنامهٔ افغانستان از همهٔ دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.
مسئولیت مقالات به عهدهٔ نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.
روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.
www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com